



پیام به مناسبت کنگره عظیم حج - 11 / مهر / 1393

حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت کنگره عظیم حج، توجه به مسایل جهان اسلام و نگاهی بلند و فراگیر به مهمترین موضوعات مرتبط با امت اسلامی را در صدر وظایف و آداب حج گزاران دانستند و تاکید کردند: اتحاد مسلمین، مسأله‌ی فلسطین، و نگاه هوشمندانه به تفاوت میان اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکایی، سه اولویت اصلی جهان اسلام است که امت اسلامی باید با بصیرت و ژرف اندیشی، به وظیفه و تکلیف روز خود در قبال این موضوعات عمل کند.

متن پیام رهبر معظم انقلاب که صبح امروز در صحرای عرفات از سوی حجت الاسلام و المسلمین قاضی عسکر نماینده ولی فقیه و سرپرست حجاج ایرانی قرائت شد، به این شرح است:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین

درد و سلامی از سر شوق و تکریم بر شما سعادت‌مندان که به دعوت قرآنی لبیک گفته و به میهمانی خانه‌ی خدا شتافته‌اید. نخستین سخن آن است که این نعمت بزرگ را قدر بدانید و با تأمل در ابعاد فردی و اجتماعی و روحی و بین‌المللی این فریضه‌ی بی‌همتایا، برای نزدیک شدن به هدفهای آن تلاش کنید و از میزبان رحیم و قدیر، برای آن کمک بخواهید. اینجانب همدل و همزبان با شما از پروردگار غفور و مثن درخواست میکنم که نعمت خود را بر شما تمام کند و چون توفیق سفر حج عطا کرده است، توفیق گزاردن حجّ کامل نیز عطا فرماید و آنگاه با قبول کریمانه‌ی خود، شما را با دست پُر و عاقبت کامل روانه‌ی دیار خود سازد؛ ان شاء الله.

در فرصت مغتنم این مناسک پُر مغز و بی‌ظنیر، به جز تطهیر و تعمیر (1) معنوی و روحی که برترین و ریشه‌ای‌ترین دستاورد حج است، توجه به مسائل جهان اسلام و نگاهی بلند و فراگیر به مهم‌ترین و اولویت‌دارترین موضوعات مرتبط با امت اسلامی، در صدر وظایف و آداب حج گزاران است. امروز از جمله‌ی این موضوعات مهم و دارای اولویت، مسئله‌ی اتحاد مسلمانان و گشودن گره‌های فاصله‌افکن میان بخشهای امت اسلامی است. حج، مظهر وحدت و یکپارچگی و کانون برادری و همیاری است. در حج باید همگان درس تمرکز بر مشترکات و رفع اختلافات را فرا بگیرند. دستهای پلید سیاستهای استعماری از دیرباز تفرقه‌افکنی را برای تأمین مقاصد شوم خود در دستور کار داشته‌اند، ولی امروز که به برکت بیداری اسلامی، ملت‌های مسلمان دشمنی جبهه‌ی استکبار و صهیونیسم را بدرستی شناخته و در برابر آن موضع گرفته‌اند، سیاست تفرقه‌افکنی میان مسلمانان شدت بیشتری یافته است. دشمن مکار بر آن است که با افروختن آتش جنگ‌های خانگی میان مسلمانان، انگیزه‌های مقاومت و مجاهدت را در آنان به انحراف کشانده، رژیم صهیونیستی و کارگزاران استکبار را که دشمنان حقیقی‌اند، در حاشیه‌ی امن قرار دهد. راه‌اندازی گروه‌های تروریستی تکفیری و امثال آن در کشورهای منطقه‌ی غرب آسیا ناشی از این سیاست غدارانه است. این هشدار به همه‌ی ما است که مسئله‌ی اتحاد مسلمین را امروز در صدر وظایف ملی و بین‌المللی خود بشماریم.

موضوع مهم دیگر مسئله‌ی فلسطین است. با گذشت 65 سال از آغاز تشکیل رژیم غاصب صهیونیست و فراز و فرودهای گوناگون در این مسئله‌ی مهم و حسّاس و بخصوص با حوادث خونین سالهای اخیر، دو حقیقت برای همه آشکار شده است: اول آنکه رژیم صهیونیست و پشتیبانان جنایتکار آن، در قساوت و سبّیت و پایمال کردن همه‌ی موازین انسانی و اخلاقی هیچ حدّ و مرزی نمی‌شناسند. جنایت، نسل‌کشی، ویرانگری، کشتار کودکان و زنان و بی‌پناهان، و هر تعدّی و ظلمی را که از دستشان برآید برای خود مباح می‌شمرند و به آن افتخار هم میکنند.



صحنه‌های گریه‌آور جنگ پنجاه روزه‌ی اخیر غزه، آخرین نمونه‌ی این بزهکاری‌های تاریخی است که البته در نیم قرن اخیر بارها تکرار شده است.

دومین حقیقت آن است که این سقاک و فاجعه‌آفرینی‌ها نتوانسته است هدف سردمداران و پشتیبانان رژیم غاصب را برآورده سازد. برخلاف آرزوی احمقانه‌ی اقتدار و استحکامی که سیاست‌بازان خبیث برای رژیم صهیونیستی در سر میپروانند، این رژیم روزه‌روز به اضمحلال و نابودی نزدیک‌تر شده است. ایستادگی پنجاه روزه‌ی غزه‌ی محصور و بی‌پناه در برابر همه‌ی توان به‌صحنه‌آورده‌ی رژیم صهیونیست، و سرانجام، ناکامی و عقب‌نشینی آن رژیم و تسلیم شدنش در برابر شروط مقاومت، نمایشگاه آشکار این ضعف و ناتوانی و بی‌پن্থیگی است. این بدان معنی است که ملت فلسطین باید از همیشه امیدوارتر باشد، مبارزان جهاد و حماس باید بر تلاش و عزم و همت خود بیفزایند، کرانه‌ی غربی راه پرافتخار همیشگی را با قدرت و استحکام بیشتر پی‌گیرند، ملت‌های مسلمان پشتیبانی واقعی و جدی از فلسطین را از دولت‌های خود مطالبه کنند، و دولت‌های مسلمان صادقانه در این راه گام نهند.

سومین موضوع مهم و دارای اولویت، نگاه هوشمندانه‌ای است که فعالان دلسوز جهان اسلام باید به تفاوت میان اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکایی داشته باشند و از خلط و اشتباه میان این دو، خود و دیگران را برحذر بدارند. نخستین بار امام راحل بزرگ ما به تمایز این دو مقوله همت گماشته و آن را وارد قاموس سیاسی دنیای اسلام کرد. اسلام ناب، اسلام صفا و معنویت، اسلام پرهیزکاری و مردم‌سالاری، اسلام «أَشْدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (2) است. اسلام آمریکایی، پوشاندن لباس اسلام بر نوکری اجانب و دشمنی با امت اسلامی است. اسلامی که آتش تفرقه میان مسلمین را دامن بزند، به جای اعتماد به وعده‌ی الهی، به دشمنان خدا اعتماد کند، به جای مبارزه با صهیونیسم و استکبار با برادر مسلمان بجنگد، با آمریکای مستکبر علیه ملت خود یا ملت‌های دیگر متحد شود، اسلام نیست؛ نفاق خطرناک و مهلکی است که هر مسلمان صادقی باید با آن مبارزه کند.

نگاه همراه با بصیرت و ژرف‌اندیشی، این حقایق و مسائل مهم را در واقعیت جهان اسلام برای هر جوینده‌ی حقی روشن میسازد و وظیفه و تکلیف روز را بی‌هیچ ابهامی معین میکند. حج و مناسک و شعائر آن فرصت مغتنمی برای کسب این بصیرت است، و امید آنکه شما سعادتمندان حج‌گزار از این موهبت الهی به طور کامل بهره‌مند گردید.

همه‌ی شما را به خدای بزرگ می‌سپارم و قبولی تلاش شما را از خداوند مسئلت مینمایم.

والسلام علیکم ورحمةالله

سید علی خامنه‌ای

پنجم ذی‌الحجه 1435 مصادف با هشتم مهرماه 1393

(1) آبادسازی، نوسازی

(2) سوره‌ی فتح، بخشی از آیه‌ی 29